

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال چهاردهم - شماره یکم - بهار ۱۴۰۳ - شماره پيوسته ۴۳

تحليل و بررسی مضمون لالایی‌های شهر دهاقان (ص ۹۹-۱۲۰)

زهره اسدیان^۱، مریم محمودی (نویسنده مسئول)^۲، پریرسا داوری^۳

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۵

چکیده

یکی از گونه‌های ادبیات شفاهی، سروده‌های عامیانه و لالایی‌هایی هستند که مادران با لحن خاصی در کنار گهواره فرزندان خود زمزمه می‌کنند. مادران، لالایی را نه فقط برای خواباندن و آرام کردن کودک می‌خوانند بلکه در کنار آن، روح خود را تسکین بخشیده و زبان حال خود را بیان می‌کنند. هر قوم، گروه و جمعیتی، متأثر از شرایط تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی، دارای لالایی‌های خاصی است که سندی ارزشمند در مطالعات زبان و گویش، موسیقی، ادبیات و تاریخ به شمار می‌آید. لالایی‌ها به دلیل داشتن محتوایی قابل تأمل و ظرفیت‌های متنوع، بستری مناسب برای تحقیق و پژوهش‌اند. در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی، لالایی‌های شهر دهاقان که به روش میدانی گرد آمده‌اند همراه با مضامین آن‌ها بررسی و تحلیل شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هرچند لالایی، ابزاری برای آشناساختن کودک با زندگی و محیط پیرامون اوست اما مضامین لالایی‌ها متأثر از شرایط عاطفی مادر است به طوری که گاه لالایی‌ها بیشتر بیان گله‌گزاری و شکایات مادر از تلخکامی‌ها و ناکامی‌های زندگی است. لالایی‌های دهاقان مضامین متنوعی دارند؛ مضامینی که گاهی فرصت و رخصت پرداختن به آن‌ها در جامعه مردسالار وجود نداشته است؛ از جمله ابراز غم و اندوه و نگرانی و عشق. شاخص‌هایی مانند گل، درخت، قرآن، زیارت، علی (ع)، خدا، برادر، بلبل، سفر و بابا در این لالایی‌ها پربسامد هستند. کلمات کلیدی: ادبیات عامه، لالایی، مضمون، دهاقان.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران.

Email: z.asadian1559@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران.

Email: m.mahmoodi75@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران.

Email: Parisa.davarii@gmail.com



۱. مقدمه

فرهنگ عامه یا «فولکلور» از اجزای سازنده فرهنگ است. «فرهنگ عامه به مجموعه آداب و رسوم، عقاید، عادت‌ها، افسانه‌ها، حکایات، امثال، ترانه‌ها و اشعار عامیانه اطلاق می‌شود» (رادفر، ۱۳۸۰: ۱۵۳). ادبیات عامیانه یا ادب شفاهی، از جمله عناصر معنوی فرهنگ عامه است و مراد از آن تنها آن بخش از فرهنگ عامه است که محصول ذوق مردمان لطیف‌طبع و بیان احساسات آن‌هاست (نک. ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ۱۴). ادبیات عامیانه به مجموعه افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، چیستان‌ها، اعتقادات و مراسم مختلف و به طور کلی آداب و رسوم و عقاید رایج در میان جوامع گوناگون که به صورت شفاهی یا از طریق تقلید و تکرار از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، گفته می‌شود. (نک. ربیکا، ۱۳۵۴: ۲۳۹).

در این پژوهش، یکی از گونه‌های ادبیات عامه؛ یعنی لالایی‌ها بررسی می‌شود. سروده‌های عامیانه‌ای که مادر در کنار گهواره طفل خود با آهنگ خاصی می‌سراید و کودک را با این اشعار می‌خواند و آن را «ابتدایی‌ترین شکل ادبیات» گفته‌اند (نک. قزل‌ایغ، ۱۳۸۳: ۱۲۸). به‌واقع، لالایی ترکیبی از شعر، موسیقی و رقص است. سروده‌هایی دل‌انگیز و پراز احساس که با زیباترین و دلنوازترین عواطف پاک انسانی همراه می‌شود و از آنجا که از بین توده مردم شکل گرفته، سادگی و روانی و پرهیز از آرایه‌های ادبی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن‌هاست. این واژه‌های ساده و سخنان بی‌پیرایه که درون‌مایه‌ای ساده، خودمانی و ذوقی دارند با آن‌چنان عشق و احساسی بر زبان مادر جاری می‌شوند که گوش کودک را می‌نوازند، در جان او اثر می‌کنند و او را آرام‌آرام در خوابی آسوده و ژرف فرو می‌برند (نک. محمدی و قایینی، ۱۳۸۱: ۳۰-۲۸).

هرچند لالایی‌ها را شاعران رسمی سروده‌اند و مادران پای گهواره کودکان برای خواباندن فرزند یا تخلیه روحی و هیجانی خود سروده‌اند و اغلب دارای اشکالاتی در وزن و قافیه هستند؛ در کنار سادگی و روانی، سرشار از احساس، خیال و مضامین غنی‌اند. آهنگ اغلب لالایی‌ها غم‌انگیز، یکنواخت و آرام‌بخش است. «عناصر اصلی شعر کودک نیز مانند سایر اشعار عامیانه، موسیقی وزن، موسیقی قافیه و مضمون است که پشتوانه آن طبیعت و زندگی کودک می‌باشد، شعر عامیانه سکون و سکوت را از کودک گرفته و آواز و حرکت را به او می‌بخشد و بیشتر جنبه سرگرمی و لذت‌بخشی دارد تا آموزش و پرورش» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۴۵).

لالایی‌ها نقش مهمی در اجتماعی‌شدن کودکان ایفا می‌کنند به طوری که می‌توان گفت ارزش‌ها و خواسته‌های خانواده‌ها از طریق همین سروده‌ها به کودکان منتقل می‌شود. «تحقیق درباره محتوای لالایی‌های مختلف به نتایج مفیدی می‌انجامد. موقعیت واقعی خانواده، جهان‌بینی و تصور مردم از زندگی در ترانه‌های فولکلور، به تصویر کشیده شده است» (سیبک، ۱۳۹۳: ۱۲۳). کودکان از طریق همین سروده‌ها به شیوه‌ای بسیار ساده با مفاهیم مرتبط با طبیعت، زندگی، انسان و روابط اجتماعی آشنا می‌شوند، همچنین زبان مادری را آموخته و وسعت واژگانی آن‌ها رشد می‌یابد. «با این لالایی‌ها،

طبیعت، محیط پیرامون، حال و هوا و فضای اطراف و مسائل مربوط به زندگی، از زبان مادر و تعتی مهربان و بیان گرم او به طفل منتقل می‌شود و طفل که برای شناخت و دریافت کیفیت زندگی پیرامونش در تمام زمینه‌ها کنجکاو است و تقلاً می‌کند، از این طریق با آن‌ها آشنا می‌گردد» (انجوی شیرازی، ۱۳۸۴: ۶۳).

این پژوهش به تحلیل و بررسی مضامین به کار رفته در لالایی‌های شهر دهاقان اختصاص دارد. دهاقان در نود و شش کیلومتری جنوب غربی اصفهان، از شرق به شهرضا، از غرب به بروجن، از شمال به مبارکه و از جنوب به سمیرم منتهی می‌شود. این شهر دارای آب هوای سرد و کوهستانی با زمستان‌هایی سرد و تابستان‌هایی نسبتاً معتدل است. زبان مردم دهاقان، فارسی است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

کتاب‌های زیادی درباره لالایی‌ها و بررسی و تحلیل آن‌ها از جنبه ساختار آوایی، دستوری و محتوایی، روایت‌شناسی و خاستگاه‌ها نوشته شده است؛ از جمله کتاب‌های «لالایی در فرهنگ مردم» (جمالی، ۱۳۸۶) که نویسنده ضمن بیان کلیاتی درباره «لالایی»، ساختار، کاربرد، مضمون و عناصر اصلی تشکیل دهنده لالایی‌ها را بررسی کرده است.

لالایی‌های ایران (عمرانی، ۱۳۸۱)؛ این کتاب شامل چهارده بخش است و در آن به لالایی‌های کرمان، خراسان، فارس، مازندران و آذربایجان اشاره شده است. در پایان کتاب نیز، کاربرد لالایی‌ها در جامعه امروز به همراه کتاب‌شناسی آمده است.

برخی از مقالاتی که در این زمینه نوشته شده عبارتند از: «کتاب‌شناسی لالایی‌های ایران» (ریسی مبارکه و زاله، ۱۴۰۰). در این مقاله، کتاب‌شناسی لالایی‌های ایرانی ارائه شده که شامل ۳۴۷ کتاب، مقاله و پایان نامه در این موضوع است. «مضمون و موسیقی در لالایی‌های ایرانی» (جاوید، ۱۳۹۷). نویسنده در این مقاله تأکید دارد که با دقت در مضامین لالایی‌ها می‌توان نگرش هر قوم را درباره جنسیت فرزند، چگونگی ابراز عاطفه مادران نسبت به فرزندان خود و تأثیر شرایط اجتماعی - اقتصادی بر فرهنگ‌ها و باورهای قومی بازشناخت. «لالایی‌ها: دغدغه‌های زنانه، بازنمایی اجتماعی لالایی‌های استان بوشهر» (پورنعمتی رودسری و بذرافکن و روحانی، ۱۳۹۳). نویسندگان این مقاله معتقدند علاوه بر حس مادرانه در لالایی‌ها، این اشعار منعکس‌کننده فرهنگ بومی و اوضاع اجتماعی و فرهنگی هم هستند. «لالایی‌های مخملین نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی» (حسن‌لی، ۱۳۸۲). نویسنده مقاله، این مضامین را برای لالایی‌های ایرانی برشمرده است: آرزوها و آرمان‌های مادرانه؛ همچون بزرگ شدن، سواد آموختن، قرآن خواندن و همسر گزیدن فرزند، بازگشت پدر از سفر، بیان دردها، رنج‌ها و خستگی - های مادر، تشبیه کودک به گل‌های گوناگون، دعوت کودک به خواب.

شایان ذکر است که مقالات زیادی درباره لالایی‌ها در مناطق دیگر کشور از جمله بوشهر، کرمان، شیراز، یزد، مازندران و ایلام نوشته شده است ولی تاکنون پژوهش مستقلی درباره لالایی‌ها و سروده‌های عامیانه در دهاقان انجام نشده است.

۲-۱. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای و میدانی و شیوه پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی است. در روش کتابخانه‌ای، از روش یادداشت‌برداری استفاده شد و در روش میدانی با حضور در محله‌ها و مصاحبه و گفت‌وگو با افراد میان سال و کهن سال،^(۱) سروده‌ها، اشعار و لالایی‌ها گردآوری گردید. در این زمینه بیشتر با خانم‌هایی که در محدوده سنی چهل تا هشتاد سال قرار داشتند مصاحبه شد.

۲. بحث

۲-۱. مضمون لالایی‌ها

موسیقی و درون‌مایه دو بخش مهم در لالایی‌ها به شمار می‌آیند. مسلم است که کودک در مراحل از زندگی قادر به دریافت مضامین و درون‌مایه‌ها نیست و تنها از موسیقی لالایی برخوردار می‌شود. لالایی‌های شهر دهاقان مانند بیشتر لالایی‌ها در بحر هزج سروده شده‌اند. این بحر نرم و آهنگین با مضمون و درن‌مایه لالایی تناسب داشته، موجب تأثیرگذاری بیشتر آن می‌شود. در لالایی‌های این شهر، وزن عروضی در بیشتر موارد به درستی رعایت شده است اما گاهی ایرادهای وزنی دیده می‌شود.

مضامین لالایی‌ها از آن جهت ارزشمندند که اندیشه‌های مادران در آن‌ها متبلور می‌شود. «درواقع در لالایی، ساختار فنی مشخص و حساب‌شده‌ای وجود دارد که به موجب آن می‌توان مضامین متنوع و رنگارنگی را در اشعار آن‌ها جای داد و به طول عمرشان افزود» (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۷۷). واگویه‌ها، غم‌ها، نگرانی‌ها، بیان گلایه و درودها، شکایت از فراق و جدایی، ناملایمات روزگار و سختی معیشت، مرگ همسر و سختی بزرگ کردن فرزند، شکوه مادر از نبود پدر در خانه و تنهایی، نخوابیدن کودک و مسائل زنان، بخش مهمی از لالایی‌ها را تشکیل می‌دهد (نک. ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ۳۵۷). در ادامه، مضمون‌های اصلی لالایی‌های دهاقان بررسی می‌شود.

۲-۱-۱. آرزوها و امیدهای مادر

مادر با زمزمه کردن لالایی‌ها آرزو و امیدهای آینده مادرانه را برای فرزند بیان می‌کند و از خدا می‌خواهد که نگهدار فرزندش باشد. او به مقدّسات و پیامبر و ائمه توسل می‌جوید که فرزندش از گزند حوادث

تحلیل و بررسی مضمون لالایی‌های شهر دهاقان (ص ۹۹-۱۲۰)----- زهره اسدیان و همکاران ۱۰۳

مصون باشد و عمری طولانی داشته باشد. باورهای دینی و مذهبی به شکل آشکاری در لالایی‌های دهاقان نمود دارد و در مورد آن‌ها می‌توان گفت: «لالایی‌های زنان ایران را باید گونه‌ای دگرگون‌شده از نیایش و توسل دانست» (جاوید، ۱۳۹۷: ۵۶).

خوداوندا تو پیرش کون / خطی قرآن نصیبش کون / کلوم‌الله تو پیرش کون / زیارتا نصیبش کون

xudâvandâ to piroš kun / xati qorân nesiboš kun / kalomollâ to piroš kon/ziyâretâ nesiboš kun

خوداوندا تو ستاری / همه خوابین تو بیداری / به حقی خوابا بیداری / تو بچما نیگرداری

xudâvandâ to sattâri / hame xâban to bidâri / be haqqi xâbâ bidâri/ to beççemâ nigardâri

لالالایی گولده / کا گل با ما گرو بسته / کا گل دارم به گواره / خودا گلما نیگرداره

lâlâ lâlâyi gowldasse / kê gol bâ mâ gowro baste / kê gol dâram be gavâre/ xudâ golmâ nigardâre.

آرزوی مادر آن است که داغ فرزندش را نبیند:

لالالالا عزیزی خوشه‌چینم / بخواب مادر کا داغتا نبینم

lâlâ lâlâ aziai xoše çinom / bexâb mâder kê dâyetâ nabinom

لالا لالا گلم باشی / تسلائی دلم باشی / بخوابی آسرم واشی / نمیری همدمم باشی

lâlâ lâlâ golom bâši/ tasalâye delom bâši/ bexâbi a sarom vâši / namiri hamdamom bâši

لالا لالایی گواره / تو را مولا نیگرداره / لالا لالا خودا یازد / رسول‌لاه نیگردارت

lâlâ lâlâyi gavâre/ to râ molâ nigardâre / lâlâ lâlâ xodâ yârod/ rasolollâh nigardârot

لالالالا گلی نرگز / کا بد بر تو نیاد هرگز / نه بد بر تو نه بر باباد / نه بر دای بولن بالات

lâlâ lâlâ goli nargez/ kê bad bar to nayâd hargez / na bad bar to na bar bâbâd / na bar dâye bulan bâfât

مادر آرزو دارد که کودکش در پیری عصای دست او باشد:

لالایی می‌کونم با دسی پیری / کا دسی مادری بی‌بیرت بیگیری

lâlâyi mikunam bâ dassi piri / kê dassi maderi pirot bigiri

لالا لالا گل زردم پنایی / پیریا دردم

lâlâ lâlâ gole zardom penâyi / piriya dardom

۲-۱-۲. دل‌نگرانی‌ها و دغدغه‌های مادرانه

یکی از مضامین پربسامد در لالایی‌های دهاقان، دل‌نگرانی‌ها و دغدغه‌های مادرانه و غم و اندوه است؛ غم و اندوهی که حاصل شرایطی است که مادر به‌عنوان زن آن را در جامعه تجربه کرده است. «درون‌مایه لالایی‌های ایران بیش از آن که شاد باشد، رو به اندوه و غم دارد و این خود نشانه دیگری از شرایط ناگوار و پر از اضطراب زندگی اجتماعی مادر ایرانی است» (حسن‌لی، ۱۳۸۲: ۶۷). زنان در جامعه مردسالار که ساختار آن، فرصت اعتراض و انتقاد را از زنان سلب کرده است؛ لالایی را برای اسرار ناگفته‌اشان به‌کار می‌گیرند. «از آنجا که سراینده لالایی‌ها، زنان بوده‌اند می‌توان با تأمل در مضامین لالایی‌ها به عمق اعتراض و اندیشه آنان پی برد. زنان در جامعه‌ای که فاقد قدرت اجتماعی‌اند و در فضای بسته حاکم بر جامعه، جایی برای اعتراض ندارند، مجبورند زخم‌هایشان را به جای فریاد، با آهنگ حزن‌انگیز لالایی‌ها اظهار دارند. لذا به نظر می‌رسد لالایی‌ها منتقل‌کننده اعتراض‌های زنان نیز بوده‌اند» (عنایت و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۷).

یکی از دغدغه‌های همیشگی مادران، آرام کردن کودک و گلایه از ناآرامی و بی‌خوابی اوست. در این لالایی‌ها مادر از طفلش می‌خواهد که آرام بگیرد. او گاهی از ناله طفل فریاد سر می‌دهد:

لالا لالا گلی زیره / بچم آروم نیمی‌گیره

lâlâ lâlâ goli zire / beçem ârum nimigire

لالا لالا گلی زیره / چرا خوابد نیمی‌گیره

lâlâ lâlâ goli zire / çerâ xâbod nimigire

لالا لالا گلی پونه / بچم هی می‌گیره پونه

lâlâ lâlâ goli pune / beçem hey migire bune

لالالا گل خیری / چرا آروم نیمی‌گیری

lâlâ lâlâ gole xiri / çerâ ârum nimigiri

همچنین مادر نگران است با این همه زحمتی که برای بزرگ کردن فرزندش متحمل می‌شود وی روزی مادر را فراموش کند. مادر دردمند و رنج‌دیده دلخوش به همراهی و دستگیری کودکش در سال‌های پیری و از کارافتادگی است اما از بی‌وفایی او گله‌مند است شاید به دلیل آن‌که بی‌وفایی دیگران را دیده است:

لالایت می‌کونم خوابت نی‌میاد / بزرگت می‌کونم یادت نی‌میاد / بزرگت می‌کونم با شیر میشم / طمع(طمع) آم بریده قوم و خویشم

lâlâyit mikunom xâbot nimiyâd / bozorgot mikonom yâdot nimiyâd / bozorgot
mikunam bâ šîre mišom / temah a ma boride qom o xišom

گل سرخ منی شالا بومونی / ز عشقت می‌کونم م باغبونی / تو کا تا غنچه‌بی بویی نداری / همین کا وا
شدی با دیگرونی

gole sorxe mani šâlâ bumuni / ze ešqot mikunam ma bâğebuni / to kâ tâ yončeyi buyi
nadâri / hemin kâ vâ šodi bâ digeroni

مادر غم و اندوهی دارد که با زمزمه کردن لالایی، خود را آرام می‌کند. به واقع مادر با هنرمندی در
لالایی خود که سرشار از عطوفت و لطافت است، مضمونی غم‌انگیز و البته تأثیرگذار را می‌گنجاند:

لالا لالا لالا لالا لالایی / ستاره آسمون نخشی زیمینه / برادر غم مخور دنیا همینه / برادر غم مخور در
مال دنیا / که دولت اُفتوه صبْ پیسینه

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / setâre âsemun naxši zimine / berâder γam maxor dunyâ
hemine / berâder γam maxor dar mâli dunyâ / kâ dowlet oftowwe sob o peysine.

یکی از غصه‌های مادر، تنهایی و بی‌کسی است. (یکی از کارکردهای لالایی‌ها برای زنان، تخلیه
روانی بوده است. استفاده از مفاهیم «بی‌کسی»، «بی‌همدمی»، «تنهایی» و غیره نشان‌دهنده فشارهای
روانی زیادی است که زنان در خانواده و جامعه متحمل می‌شده‌اند) (عنایت و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۹) که آن را
این‌گونه ابراز می‌کند:

سر کویی بولن دیگم به باره / برنج قل می‌خوره دل بی‌قراره / برنج قل می‌خوره با شیر میشم / طمح آم م
بریده قوم و خویشم

sare kuyi bulan digom be bâre / berenj qol mixore del biqerâre / berenj qol mixore bâ
šîre mišom / temah a ma boride qom o xišom.

برخی از لالایی‌ها سرشار از مفاهیم عمیق و زیبا هستند و مادر به‌گونه‌ای با کودک خرسالش سخن
می‌گوید و غم‌ها و غصه‌هایش را بازگو می‌کند که گویا مخاطب او فرد بزرگسالی است؛ مانند لالایی
زیر:

کیوتر بچه بودم مادرم مرد / منا دادن به دایه، دایه هم مرد / مرا همشیر با بزغاله کردن / کا از بختی بدم
بزغاله هم مرد

kabuter beče budom mâderom mord / manâ dâdan be dâye dâye ham mord / manâ
hamšîr bâ bozyâle kardan / kâ az baxti badom bozyâle ham mord

تحلیل و بررسی مضمون لالایی‌های شهردهاقان (ص ۹۹-۱۲۰)----- زهره اسدیان و همکاران ۱۰۷

افتاده، تفنگش شلیک می‌کند و برادر دیگر کشته می‌شود. برادر قاتل از خجالت مادر، هیچ‌وقت به خانه بازمی‌گردد و این مادر تا آخر عمر زمزمه‌ای می‌کند که زبانزد مادران دیگر شده است و حتی در مناطق مجاور نیز در پای گهواره و در قالب لالایی برای بچه‌ها خوانده می‌شود:

لالا لالا لالایی / ننه ننه یدلا / ننه ننه سفلا / یدلا وا سفلا / رفتی به کوه دملا / رفتی شیکال بیاری /
گوله خوردی می‌نالی

lâlâ lâlâ lâlâyi / nane nane yadollâ / nane nane sefollâ / yadollâ vâ sefolâ / rafti be koyi
domlâ / rafti šikâl biyâri / gulle xordey minâli

لالا لالا لالایی / ننه ننه یدلا / ننه ننه سفلا / یدلا وا سفلا / رفتی به کوه دملا / تفنگ الوون
خریدم / حیف کا خرشا (خیرش را) ندیدم

lâlâ lâlâ lâlâyi / nane nane yadollâ / nane nane sefollâ / yadollâ vâ sefolâ / rafti be koyi
domlâ / tofang alvun xeridam / hayf kâ xeršâ nadidam

لالا لالا لالایی / ننه ننه یدلا ننه ننه سفلا / یدلا وا سفلا رفتی به کوه دملا / رفتی شیکال بیاری / سفره
پر خون میاری

lâlâ lâlâ lâlâyi / nane nane yadolâ nane nane sefolâ / yadolâ vâ sefolâ / rafti be koyi
domlâ / rafti šikal biyâri / sofre por xun miyari

لالا لالا لالایی / ننه ننه یدلا ننه ننه سفلا / یدلا وا سفلا رفتی به کوه دملا / تفنگ یدلا درفت / عمر
سفلا سرفت

lâlâ lâlâ lâlâyi / nane nane yadolâ nane nane sefollâ / yadollâ vâ sefollâ / rafti be koyi
domlâ // tofang yadollâ daraf / omri sefollâ saraf

گاهی مادر در لالایی از فقر و نداری می‌نالد:

لالالالالالایی / پنجایی نون خریدم / این پنجا نونی پرپرو / م بخورم یا اکبرو

lâlâ lâlâ lâlâyi / panjâyi nun xeridam / in panjâ nuni perperu/ ma boxoram yâ akberu

لالالالالالایی / پنجایی گوشت خریدم / این پنجا گوشت لاغرو / م بخورم یا باقرو

lâlâ lâlâ lâlâyi / panjâyi guš xeridam / in panjâ gušti lâyeru / ma boxoram yâ bâqeru

۳-۱-۲. نوازش و راز و نیاز با کودک

عشق و علاقه مادرانه در بیشتر لالایی‌ها کاملاً هویداست. مادر علاوه بر آنکه با لالایی قصد خواباندن طفلش را دارد؛ می‌خواهد محبت و عشق خود را به او ابراز کند که این امر باعث آرامش کودک می‌شود. مادر، قربان صدقه کودک رفته، با او راز و نیاز کرده، از عشق خودش و خانواده به فرزند می‌گوید:

لالالا گلی سوسن / سرت خم کن لبِت بوسم

lâlâ lâlâ goli susan / sarot xam kun labot bosam

لبِت بوسم کا بو داره / کا با گل گفت وگو داره

labot busam kâ bu dâre / kâ bâ gol goftogu dare

لا لالا گلی زردم / به قربونی قَدَت گردم

lâlâ lâlâ goli zardom/ be qorbuni to migardom

لالا لالا گلم لالا / بخواب ای بلبلم لالا

lâlâ lâlâ golom lâlâ / bexâb ey bolbolom lâlâ

لالالا گلی یاسم / تمومی عمر به پات سوزم

lâlâ lâlâ goli yâsom/ temumi omr be pât sozom

لالا لالا گلی مینا / به عشقی تو چشم مینا

lâlâ lâlâ goli mina/ be ešqi to çeşâm binâ

لالا لالا گلی سمبل / عزیزی مَ تونی چون گل

lâlâ lâlâ goli sombol/azizi ma toni çun gol

در جایی نیز مادر فرزند خود را همه کس خود می‌خواند:

لالا لالا تو را دارم / کا آگل بیتری دارم / چرا آبی کسی نالم / که هم چی بلبلی دارم

lâlâ lâlâ to râ dâram / kâ a gol beyteri dâram / çerâ a bi kesi nâlam/ kâ hemçi bolboli daram

۴-۱-۲. شکایت از دوری پدر

با وجود این که شخصیت اصلی در لالایی، مادر است و همواره در کنار کودک خود دیده می‌شود و بسیار به او وابسته است، اما نقش پدر نیز در زندگی کودک بسیار برجسته است. به همین دلیل یکی از دغدغه‌های مادر، به سفر رفتن همسر - سفرهایی که بیشتر برای کسب روزی و تأمین معاش یا سربازی انجام می‌شد- و تنها گذاشتن او و کودکش است. این نوع لالایی‌ها از نظر رفتارشناسی و جامعه‌شناسی ارزش ویژه‌ای دارند و به پیوندهای عاطفی میان خانواده اشاره می‌کنند. همچنین بیانگر بافت خانواده و چگونگی تقسیم وظایف پدر و مادر هستند؛ به این معنی که پدر اغلب برای تهیه مخارج زندگی در بیرون از خانه حضور داشته و مادر در کنار فرزندان بوده است. گاهی نیز خیلی زود پدر از دنیا رفته و مادر را با کودکانش تنها گذاشته است. کودک در این شرایط، امید و روشنایی را برای مادر به همراه داشته است.

لالا لالا گل فسّه / باباد(بابایت) باری سفر بسته

lâlâ lâlâ gole fesse / bâbâd bâri sefer baste

لالا لالا گل فسّه / باباد رفته سفر خسه

lâlâ lâlâ gole fesse / bâbâd rafte sefer xasse

لالا لالا گل مصوم / باباد رفته به کردسون

lâlâ lâlâ gole masum / bâbâd rafte be kordessun

لالا لالا گل نازی / باباد رفته به سربازی

lâlâ lâlâ gole nâzi / bâbâd rafte be sarbâzi

تکرار «بابات رفته» از غم و دل‌تنگی مادر نشان دارد. بدین ترتیب باید گفت شخصیت پدر در لالایی‌ها غایب است و بازگشت و سلامتی‌اش آرزوست:

لالا لالا گلی ننا / بابات رفتس شدم ننا / کا بابایت سفر رفته / کا آ ما بی خبر رفته

lâlâ lâlâ goli nanâ / bâbâd raftes šodam tanâ / kâ bâbâyat safar rafte / kâ a mâ bi xeber rafte

مادر انتظار بازگشت پدر را این گونه در لالایی ابراز می‌کند:

لالا لالا گلی باغی بهشتم / برا بابات ی نومه نوشتم

lâlâ lâlâ goli bâyi beheštom / berâ bâbâd ye nume neveštom

و برای سلامتی او در سفر، از خدا یاری می‌طلبد:

لالا لالا گل خاش خاش / بآباد رفته خودا همراش

lâlâ lâlâ gole xâxâxâ / bâbâd rafte xudâ hamrâs

و دیدار پدری که از سفر بازگشته بسیار مسرت بخش است:

لالا لالا گلی یوشن / بآباد اومد چشت روشن

lâlâ lâlâ goli yošan / bâbâd umed çeşot rošan

لالایی‌ها فرصت مناسبی را برای زنان فراهم می‌آورد تا به بیان احساسات خویش بپردازند. زنان با بیان احساسات عاشقانه‌اشان در لالایی‌های کودکانه، شوهر خود را مورد خطاب قرار می‌دهند و به‌گونه‌ای غیرمستقیم عشق خود را به وی ابراز می‌کنند.

۲-۱-۵. دل‌بستگی مادر به اقوام و خانواده

زنان همواره در ارتباط با خانواده همسرشان سختگیرانه‌تر عمل کرده‌اند و حساسیت آن‌ها در این رابطه بیشتر بوده است. روشی که زنان برای دفاع از قلمرو روابط خویش استفاده می‌کنند بسیار ماهرانه است؛ یعنی آنان به جای بدگویی مستقیم از خانواده همسر، از خانواده خود به نیکی یاد می‌کنند. «از دریچه لالایی‌ها می‌توان به خانه دل‌مادران راه یافت و بخشی از اندیشه درونی آن‌ها را بازشناخت. نزدیکی مادران ایرانی به خانواده خود در سنجش با خانواده همسر در لالایی‌ها نیز به روشنی بازتابیده است» (حسن‌لی، ۱۳۸۲: ۷۲). در لالایی‌های دهقان نیز دایه حضوری پررنگ دارد و در کنار خاله دوستدار کودک معرفی می‌شود:

لالا لالا گلی پونه / بآباد اومد توی خونه

lâlâ lâlâ goli pune / bâbâd umed tuye xune

لالا لالا گل چایی / بآباد رفته خونه دایی

lâlâ lâlâ gole çâyi / bâbâd rafte xune dâyi

لالا لالا گل غوره / خونه دایی به ما دوره

lâlâ lâlâ gole çure / xune dâyi be mâ dure

لالا لالا گلی نرگز / کا بد بر تو نیاد هرگز / نه بد بر تو نه بر بابات / نه بر دای بولن بالات

lâlâ lâlâ goli nargez / kâ bad bar to nayâd hargez / na bad bar to na bar bâbât / na bar dâye bulan bâlât

تحلیل و بررسی مضمون لالایی‌های شهر دهقان (ص ۹۹-۱۲۰)----- زهره اسدیان و همکاران ۱۱۱

لالا لالا گلی لاله / دوست داریم منا خاله

lâlâ lâlâ goli lâle / dosot dârim manâ xâle

لالا لالا گلی چایی / دوست داریم منا دایی

lâlâ lâlâ goli çâyi / dosot dârim manâ dâyi

لالا لالا گلی مریم / قربونی تو میشم هر دم

lâlâ lâlâ goli maryam / qorbuni to mişam har dam

گاهی مادر از طریق لالایی، عشق به پدر و مادر و برادر را به کودک می‌آموزد. برادر بزرگ‌تر که در آینده قرار است حامی کودک باشد یکی از شخصیت‌هایی است که در لالایی‌ها همواره جایگاه خاصی دارد:

لالا لالا لالا لالا لالایی / پدر خوب است و مادر نازنینه / برادر میوه روی زمین / آگه خاکی دو عالم را بی‌بیزی / نبینی میوه‌ای به برادر

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / peder xubest o mâder nâzenine / berâder miveye ruye zimine / age xâki do âlem râ bibizi / nabini mivei beh a berâder

۲-۱-۶. مضامین اعتقادی و مذهبی

با توجه به اعتقاد به مسائل شرعی و مذهبی، داشتن کودکان مذهبی و معتقد به خدا، پیغمبر و اهل بیت - سلام الله علیهم - آرزوی مادران بوده است. به همین دلیل، لالایی‌های بسیاری در زمینه مذهبی سروده شده است. وقتی واژه‌ها توانایی معرفی خدا را ندارند، از موسیقی و تحرک جسمی در این رابطه می‌توان بهره برد به همین دلیل موسیقی از زمان‌های گذشته به عنوان زبان مذهب مورد استفاده بوده است (نک. حکیمی و کاموس، ۱۳۸۲: ۴۹۵). در لالایی زیر مادر انس با قرآن را به کودک خود می‌آموزد تا او را در تمام مراحل زندگی یار و یاور باشد:

لالا لالا گل چایی / ازین بچه چی می‌خوای / کا این بچه پدر داره / کلوم آلا (الله) بغل داره

lâlâ lâlâ gole çâyi / azin beçe çi mixâyî / kâ in beçe peder dâre / kalum o llâ bayal dâre

کلوم آلا تو پیرش کون / ازین طفلی کبیرش کون / زیارتا نصیبش کون / خطی قرآن نصیبش کون

kalum o llâ to piroş kun / azin tefli kebiroş kun / ziyâretâ nesiboş kun / xati qorân nesiboş kun

گفتمان ایدئولوژیک مذهبی به‌وضوح در لالایی‌ها دیده می‌شود؛ چراکه «نقش مادر بودن دربرگیرنده دینداری است؛ زیرا شامل کارهایی چون آموزش سجایای اخلاقی به کودکان و مراقبت از سلامت جسمی و روحی سایر اعضای خانواده می‌شود» (دهقان، ذوالفقاری، ۱۴۰۰: ۱۵۸). مادر، مفاهیم دینی و مذهبی

را بیشتر از طریق ابراز عشق و علاقه به پیامبر و ائمه و حضرت زهرا و حضرت معصومه (س) ابراز می‌کند. او در لالایی‌هایش به امام علی (ع) امید بسیار دارد و او را رئوف و مهربان و آشنا می‌داند و برای برآوردن آرزوهایش در خوشبختی فرزند، از او کمک و شفاعت می‌خواهد.

لالایی گویم خوابت بیاید / امیرالمؤمنین یادت بیاید / لالایی گویم خوابت کونم من / علی گویم صد
سالت کونم من

lâlâyi guyamâ xâbot biyâyed / amiralmomenin yâdod biyâyed / lâlâyi goyamâ xâbot
kunam man / ali goyamâ sad sâlod kunam man

علی صفدر، علی صفدر / علی دومادی پیغمبر / علی دیدم دعا می‌کرد / حمدا ذکری خودا می‌کرد

ali safdar ali safdar / ali dumadi peyqamber / ali didam do?â mikard / hamdâ zekri
xudâ mikard

لالایی گویم خوابت کونم من / علی گویم صد و صد سالت کونم من / علی جون ا صد سال یه روزش کم
نباشه / همش شادی یه روزش غم نباشه

lâlâyi goyamâ xâbot kunam man / ali goyamâ sad sâlod kunam man / ali jun a sad sal
ye ruzoš kam nabâşe / hameş sâdi ye ruzoš ɣam nabâşe

شیعیان، واقعه کربلا و محتوای آن را به عنوان یکی از شاخص‌ترین رویدادهای مذهبی جهان اسلام به پیروان سایر ادیان معرفی کرده‌اند. مردم ایران، آیین‌های عزاداری و مناسک سوگواری امام حسین (ع) را با زندگی خود عجین کرده‌اند؛ بدین سبب امام حسین (ع) در لالایی‌ها نیز یادکردی خاص دارد:

حسن لای لای / حسین لای لای / عزیز فاطمه لای لای / حسن گویم حسین گویم / علی را با تو
می‌گویم

hasan lâylây / hoseyn lâylây / ?azizi fâtome lâylây / hasan guyam hoseyn guyam / ali
râ bâ to miguyam

تکرار نام علی و حسن و حسین (ع) در القای مفاهیم دینی و مذهبی بسیار مؤثر است؛ علاوه بر آن، لالایی به کمک تکرار گیراتر می‌شود و پدیدآورندگان برای ایجاد کیفیت موسیقایی در لالایی‌های خود از این عنصر بهره می‌جویند (نک. نورتون، ۱۳۸۲: ۳۵۳)

بزرگد می‌کونم تا زنده باشی / غلامی حضرت معصومه باشی

bozorgod mikunam tâ zande bâşi / ɣolâmi hazreti masume bâşi

مادر در لالایی بالا آرزومند است که فرزندش غلام حضرت معصومه (ص) باشد و مشخص است که کودک او پسر است. «جنسیت طفل در بیشتر لالایی‌ها نامشخص است و به او با عنوان عزیز من، طفل

من، کودکم و گل من خطاب می‌کند که تشخیص جنسیت فرزند را مشکل می‌نماید ولی در بعضی لالایی‌ها با توجه به نامی که از فرزند برده می‌شود، لباس‌هایی که به تن او می‌پوشاند و در مواردی از روی مشاغل و حرفی که برایش آرزو می‌کند می‌توان حدس زد که طفل دختر بوده یا پسر» (عمرانی، ۱۳۸۱: ۴۲).

۲-۱-۷. طبیعت

در گذشته، زندگی مردم با طبیعت گره خورده بود. دشت‌ها، کوه‌ها، صحراها و جنگل‌ها زادگاه مردمان و محل زندگی و پرورش و نهایتاً مدفن آن‌ها بود. به همین دلیل انس و الفتی خاص بین انسان و طبیعت وجود داشت که در لالایی‌ها نیز نمودار گشته است. در لالایی فرصتی ایجاد می‌شود که کودک با عناصر طبیعت؛ مثل ماه، دریا، جنگل، ستاره، آسمان، گندم، گل‌ها و حیوانات آشنا شود و ارتباط آن‌ها را با یکدیگر دریابد؛ طبیعت را دوست داشته باشد و در حفظ آن بکوشد. «لالایی‌ها بیشترین نشانه‌ها را از طبیعت و محیط زندگی اقوام مختلف در خود جای داده‌اند و همین است که به لحاظ جنبه‌های عاطفی و روانی نقش بسزایی در ایجاد ارتباط میان مادر، کودک و محیط اجتماعی ایفا می‌کنند» (جاوید، ۱۳۹۷: ۵۸).

طبیعت در لالایی‌های دهاقان نیز جلوه بسیاری دارد. نام‌بردن از گل‌های مختلف یکی از این نمودهاست؛ به گونه‌ای که با شنیدن این لالایی‌ها می‌توان مادر را در گلزاری پر از گل‌های متنوع و زیبا تصور کرد که هر گلی نظر او را به خود جلب کرده است. واژه «گل» یکی از بن‌مایه‌هایی است که در لالایی‌ها بسامد بالایی دارد؛ به‌صورت ترکیب وصفی یا اضافی در لالایی‌های دهاقان نیز تکرار شده است.

لالا لالا گلی پونه / باباد اومد توی خونه

lâlâ lâlâ goli pune / bâbâd umed tuye xune

لالالالا گل چایی / باباد رفته خونه دایی

lâlâ lâlâ gole çâyi / bâbâd rafte xune dâyi

لالالالا گل غوره / خونه دایی به ما دوره

lâlâ lâlâ gole çure / xune dâyi be mâ dure

لالالالا گلی نرگز / کا بد بر تو نیاد هرگز / نه بد بر تو نه بر بابات / نه بر دای بولن بالات

lâlâ lâlâ goli nargez / kâ bad bar to nayâd hargez / na bad bar to na bar bâbât/ na bar dâye bulan bâlât

لالا لالا گلی لاله / دوست داریم منا خاله

lâlâ lâlâ goli lâle / dosot dârim manâ xâle

لالا لالا گلی چایی / دوست داریم منا دایی

lâlâ lâlâ goli çâyi/ dosot dârim manâ dâyi

لالا لالا گلی مریم / قربونی تو می‌شم هر دم

lâlâ lâlâ goli maryam / qorbuni to mişam har dam

لالا لالا گلی لاله / کا گل دارم به گواره / کا گل وختی گولابش شد / عزیزم وختی خوابش شد

lâlâ lâlâ goli lâle / kâ gol dâram be gavâre / kâ gol vaxti gulâboş şod / azizom vaxti xâboş şod.

در این لالایی‌ها از گل‌های مختلف مانند نرگس، پونه، خیری، سرخ، نسرین، سوسن، یاس، مینا، سنبل، خشخاش، لاله و مریم نام برده شده است. گاهی نیز از گل‌هایی یاد شده که چندان آشنا نیستند؛ مانند گل چایی، گل فسه (پسته)، گل نعناع، گل زیره و گل غوره.

در لالایی زیر، مادر کودکش را عزیز خوشه‌چین خطاب کرده است. بی‌تردید دلیل تلقی این صفت برای کودک، محیط زندگی او و غلبه کار کشاورزی بخصوص کاشت گندم و جو است.

لالا لالا عزیز می‌خوشه چینم / بخواب مادر کا داغتا نبینم

lâlâ lâlâ aziai xoşe çinom/ bexâb mâder kâ dâγotâ nabinom

در آموزه‌های دینی و تربیتی ما در مورد مهربانی و رسیدگی به مخلوقات خداوند تأکید شده است. مادر، ضمن خواندن این لالایی، کودکش را با حیوانات آشنا می‌کند و بدون آن که خود به مضمون این لالایی آگاهی داشته باشد، به‌طور غیرمستقیم مهربانی با حیوانات را به او می‌آموزد:

لالا لالا لالا لالا لالایی / دو تا بلبل بودیم تو طاقی دالون / خوراکمون گریه بودا آب بارون / الایی خیر
نبینه کدخدایمون / کا هم جفتی منا برد در خیابون

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / do tâ bolbol budim tu tâqi dâlun / xorâkmun girye budâ âbi bârun / elâyi xer nabine kadxudâmun / kâ ham jofti manâ bord dar xiyâbun

لالا لالا لالا لالا لالایی / بیا بلبل بنال تا مَ بنالم / تو بهر گل بنال مَ بهر یارم / تو بهر گل بنال هر روز
هر روز / مَ بهر یارمی‌نالم شبا روز

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / biyâ bolbol benâl tâ ma benâlom / to bahre gol benâl ma bahre yârom / to bahre gol benâl har ruzâ har ruz/ ma bahre yâr minâlom şabâ ruz

لالا لالا لالا لالا لالایی / سری کویی بولن نی می‌زنم من / شتر گم کرده‌ام بی می‌زنم من / شتر گم کرده‌ام با باری کاشی / گلی گم کرده‌ام شالا تو باشی

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / sari kuyi bulan ney mizanam man / šotor gom kardeam pey
mizanam man / šotor gom kardeam bâ bâri kâši / goli gom kardeam šâllâ to bâši

لالا لالا لالا لالا لالایی / سر کویی بولن نارنج گرونه / پسر عاموم سواره مادیونه / به دور مادیون مخمل
کشیدن / طنافی ابریشوم تنگش کشیدند / طنافی ابریشوم ریشه ختایی / به شونه‌ش میبرازه پادشایی

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / sare kuyi bulan nârenj gerune / peser âmum suvâre
mâdiyune / be dure mâdiun maxmel kešidan / tenâfi abrišum tangos kešidan/ tenâfi
abrišum riše xatâyi / be šonoš miberâze pâdešây

لالا لالا گلی پونه / سگه اومد دری خونه / چخش کردم بدش اومد / خودش رفتا بچش اومد / آبش
دادم بدش اومد / نونش دادم خوششون اومد

lâlâ lâlâ goli pune / sage umed dari xune/ êexoš kardam badoš umed / xodoš raftâ
beçeš umed / âboš dâdam badoš umed / nunoš dâdam xošoš umed

در کتاب فرهنگ عامیانه مردم ایران آمده است: « لالا لالا گل پونه / گدا اومد در خونه / نونش
دادیم بدش اومد / خودش رفت سگش اومد چخش کردیم بدش اومد » (هدایت، ۱۳۷۹: ۲۱۶) و در جای
دیگری آمده است: « خودش رفت و سگش اومد، پخس کردیم بدش اومد » (قیاسی، ۱۳۹۶: ۵۴۹).

۸-۱-۲. عشق

مضامین عاشقانه در لالایی‌ها کاربرد فراوان دارد. گاهی ناز و عتاب عاشقانه در برخی از لالایی‌ها نشان
می‌دهد که مخاطب کودک نیست. «به نظر می‌رسد بیان عشق از سوی زنان هنجار نبوده و اظهارش
باعث شرمگینی آن‌ها می‌شده و رفتاری خلاف انتظار محسوب می‌شده، بنابراین جز در لفافه بازگو نمی
شدند. اما به دلیل آن‌که لالایی‌ها با صدای بلند و گاه در حضور شوهر، معشوق و یا دیگران خوانده
می‌شدند، فرصتی به زنان می‌داده تا به صورت غیرمستقیم به ابراز عشق و علاقه خود به همسر و یا
معشوق خود بپردازند» (عنایت و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۴). «گاهی اوقات، لالایی خواندن زن، ضمن این‌که به قصد
خواب کردن کودک بوده، با تیت سخن گفتن با معشوق دیوار به دیوار یا دلدار خیالی نیز بوده
است» (وجدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

لالا لالا لالا لالا لالایی / خوشا روزی که با هم می‌نشستیم / قلم در دست و کاغذ می‌نوشتیم / قلم
بشکست و کاغذ بر هوا رفت / مگر طرح جدایی می‌نوشتیم

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / xošâ ruzi kê bâ ham minešestim / qalam dar dast o kâyez
mineveštim / qalam beškast o kâyez bar havâ raft / magar tarhe jodâyi mineveštim

لالا لالا لالا لالا لالایی / سر کویی بولن نارنج گرونه / پسر عاموم سواره مادیونه / به دور مادیون مخمل
کشیدن / طنافی ابریشم تنگش کشیدند / طنافی ابریشم ریشه ختایی / به شونه‌ش میبرازه پادشایی

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / sar kuyi bulan nârenj gerune / peser âmum suvâre mâdiyune / be dure mâdiun maxmel kešidan / tenâfe abrišum tangoš kešidan / tenâfe abrišum riše xatâyi / be šonoš miberâze pâdešâyi.

ترانه‌های عامیانه مخصوصاً دوییتی‌ها، بر سر زبان مادرانی بوده است که در کنار گهوارهٔ کودکانشان فرصتی می‌یافتند تا آرزوها و تمایلاتشان را ابراز کنند. به دلیل آن که لالایی‌ها تجلی‌گاه ناب‌ترین و شخصی‌ترین احساسات زنانه است، برخی لالایی را واسطهٔ العقد و حلقهٔ پیوند ادبیات کودک و ادبیات زنان نامیده‌اند (نک. طباطبایی، ۱۳۹۵: ۸۲)

عزیزم بادا میاد بادا میاد / صدای زنگ چاروادار میاد / برید آمد چاروادار پیرسید / چرا اون مرد به خونه ما نیمیاد

azizom bâdâ miyâd bâdâ miyâd / sedâye zange çârâvdâr miyâd / berid a marde çârâvdâr boporsid / çerâ un mard be xune mâ nimiyâd

لالا لالا لالا لالا لالایی / طناف ابریشم ریشه‌به‌ریشه / دمش مرواریا بیخش بنفشه / بنفشه سرزده دور کلاهش / به قربونی سرا زلف سیاهش

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / tenâfe abrišum riše be riše / damoš morvâriâ bixoš banafše / banafše sar zade dowri kulâhoš / be qorbuni sarâ zolfe siyâhoš

لالا لالا لالا لالا لالایی / دو تا بلبل بودیم تو طاق دالون / خوراکمون گریه بودا آبی بارون / الایی خر نبینه کدخامون / کا هم جفتی منا برد در خیابون

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / do tâ bolbol budim tu tâqi dâlun / xorâkmun girye budâ âbi bârun / elâyi xer nabine kadxudâmun / kâ ham jofti manâ bord dar xiyâbun

لالا لالا لالا لالا لالایی / بیا بلبل بنال تا مَ بنالم / تو بهر گل بنال مَ بهر یارم / تو بهر گل بنال هر روزا هر روز / مَ بهر یار می‌نالم شبا روز

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / biyâ bolbol benâl tâ ma benâlom / to bahre gol benâl ma bahre yârom / to bahre gol benâl har ruzâ har ruz / ma bahre yâr minâlom šabâ ruz

لالا لالا لالا لالا لالایی / سری کویی بولن نی می‌زنم من / شتر گم کردم بی می‌زنم من / شتر گم کردم با باری کاشی / گلی گم کرده‌ام شالا تو باشی

lâlâ lâlâ lâlâ lâlâ lâlâyi / sari kuyi bulan ney mizanam man / šotor gom kardamâ pey mizanam man / šotor gom kardamâ bâ bâri kâši / goli gom kardeam šallâ to bâši

البته این بیت به شکل زیر است که در دهاقان، واژه‌هایی جایگزین شده‌اند:

سر کوه بلند نی می‌زنم من / شتر گم کرده‌ام هی می‌زنم من / شتر گم کرده‌ام با جفت حاشی^(۲) / گلی گم کرده‌ام شاید تو باشی.

در دهاقان این دوبیتی را نیز به صورت‌های دیگر می‌خوانند:

سری کویی بولن نی می‌زنم من / شتر گم کردما بی می‌زنم من / شتر گم کردما با شیر میشم / طمح آم بریده قوم و خویشم / عزیزم یادت ای دوس / یادت ای دوس / نمیری تا نبینم داغت ای دوس / عزیزم بی‌وفایی بی‌وفایی / عزیز بی‌وفایم کی می‌آیی؟

sari kuyi bulan ney mizanam man / šotor gom kardamâ pey mizanam man/ šotor gom kardamâ bâ šire mišom / temah a ma boride qom o xišom / azizom yâdot ey dus yâdot ey dus / namiri tâ nabinom dâḡot ey dos / azizom bivafâyi bivafâyi / azize bivafâyom key miyâyi?

نفس بر نی زنم تانی بخونه / بسا راز دلم را نی بگوئیه / آگه راز دلم بر کو بگویم / علف سوزه وا کو عریون بمونه / عزیزم لایی لایی / عزیزم کی می‌آیی کی می‌آیی؟

nefes bar ney zaman tâ ney buxune / basâ raze delom râ ney beguye / age raze delom bar ku beguyam / alef suze vâ ku oryun bumune / ?

تعدد روایات از ویژگی‌های ادبیات عامه است که ناشی از تعدد روایان است. اگر روایان فرهنگ عامه، مردم باشند، هر کس با توجه به ذوق و علاقه، نیازها و شرایط زمانی و مکانی، اقلیم، فرهنگ، شرایط خاص و بسیاری عوامل دیگر کنایات و مثل‌ها و اشعار را به نفع خود مصادره به مطلوب می‌کند و به قیاس نمونه اصلی، نمونه‌های دیگر را می‌سازد(نک. ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۸).

۳. نتیجه‌گیری

لالایی‌های دهاقان مانند لالایی‌های دیگر مناطق ایران‌زمین، علاوه بر کارکرد اصلی؛ یعنی خواباندن کودک، کارکردهای دیگری نیز دارد. با توجه به شرایط حاکم بر جامعه مردسالار و سنتی پیشین، لالایی عرصه‌ای برای ابراز وجود، اعتراض و بیان خواسته‌های زنان بوده است. نیز لالایی ابزاری در جهت بیان عشق و علاقه مادر به کودک و بیان دغدغه‌ها و خواسته‌های مادر و آموزش مفاهیم مذهبی بوده است. مادران دهاقانی با استفاده از مضامین مختلف در لالایی‌های خود و در جهت دستیابی به اهداف تعلیمی و تربیتی خویش کوشیده‌اند. در لالایی‌های شهر دهاقان مضامین مختلفی دیده می‌شود. دعا و طلب خیر برای کودک یکی از مضامین پرتکرار در این لالایی‌هاست. از آنجا که نقش مادر با دینداری گره خورده است؛ در لالایی‌ها گفتمان ایدئولوژیک کاملاً آشکار است. نبودن همسر در کنار زن و کودک مضمون دیگری است که در لالایی‌های این شهر دیده می‌شود. زن فقدان همسرش را با تمام وجود احساس می‌کند و با تکرار نامش به خود و کودکش آرامش می‌دهد. لالایی‌گویی فرصتی را برای مادران فراهم کرده است تا به مضامینی پردازند که فرصت و رخصت پرداختن به آن‌ها در جامعه مردسالار داده

نشده است؛ از جمله ابراز غم و اندوه و نگرانی و عشق. در لالایی‌های شهر دهاقان شاخص‌هایی مانند گل، درخت، قرآن، زیارت، علی(ع)، خدا، برادر، بلبل، سفر و بابا پربسامد هستند و نمادهای انتخاب‌شده بر پایه خرد فردی هستند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- اسامی مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است:
 - اسدیان، زهرا، ۱۳۴۹، دیپلم.
 - امین جعفری، اعظم، ۱۳۵۲، کارشناسی.
 - بهرامی، اشرف، ۱۳۲۸، بی‌سواد.
 - بهرامی، توران، ۱۳۲۹، ابتدایی.
 - بهرامی، زهرا، ۱۳۴۸، ابتدایی.
 - بهرامی، نصرت، ۱۳۴۰، ابتدایی.
 - بیننده، توران، ۱۳۴۷، تحصیلات متوسطه.
 - خدابخشی، معصومه، ۱۳۶۴، کارشناسی.
 - سنجری، عصمت، ۱۳۱۸، بی‌سواد.
 - شاه‌حسینی، بتول، ۱۳۵۰، تحصیلات متوسطه.
 - صفری، اعظم، ۱۳۵۶، تحصیلات متوسطه.
 - طاهری، مریم، ۱۳۶۲، تحصیلات متوسطه.
 - فاتحی، اشرف، ۱۳۲۸، ابتدایی.
 - عبدالهی، مریم، ۱۳۴۹، کارشناسی.
 - عسگریان، صفیه، ۱۳۱۰، بی‌سواد.
 - عظیمی، اعظم، ۱۳۵۹، کارشناسی ارشد.
- ۲- حاشی: به معنی بچه شتر یک‌ساله است. مادران در حین خواندن لالایی، بدون توجه به معنا و مفهوم آن، «کاشی» تلفظ می‌کنند.

منابع

- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۶). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران. تهران: سروش.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۴). ادب شفاهی و زبان آموزی به کودک در فرهنگ مردم. فرهنگ مردم، ۱۳، ۶۲-۷۳.

- تحلیل و بررسی مضمون لالایی‌های شهردهاقان (ص ۹۹-۱۲۰)----- زهره اسدیان و همکاران ۱۱۹
- جاوید، هوشنگ (۱۳۹۷). مضمون و موسیقی در لالایی‌های ایرانی. فرهنگ مردم ایران، ۵۳ و ۵۴، ۳۹-۶۴.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۲). لالایی‌های مخملین، نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایران. پژوهشنامه ادب غنایی، ۱(۱)، ۶۱-۸۰.
- حکیمی، محمود، و کاموس، مهدی (۱۳۸۲). مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان، ادبیات دینی. تهران: آرون.
- دهقان، محمداسماعیل، و ذوالفقاری، حسن (۱۴۰۰). سبک زنانه در متون لالایی. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، ۳(۵)، ۱۳۲-۱۶۱. doi:10.30465/LIR.2021.32479.1192
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: علم.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۸). زبان و ادبیات عامه ایران. تهران: سمت.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۰). جلوه‌گری فرهنگ عامه در ادبیات فارسی. نامه فرهنگ، ۳۹، ۱۵۳-۱۵۸.
- ربیکا، یان (۱۳۵۴). تاریخ ادبیات ایران. ترجمه عیسی شهابی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سپیک، بیری (۱۳۹۳). ادبیات فولکلور ایران. ترجمه محمد اخگری. تهران: سروش.
- طباطبایی، سید حسین، و سادات طباطبایی، سمیه (۱۳۹۵). تحلیل ساختاری و محتوایی حدا (لالایی منطقه سرکویر). ادبیات و زبان‌های محلی ایران، ۶(۴)، ۸۱-۹۶. doi: 20.1001.1.2345217.1395.6.4.5.9
- عمرانی، سیدابراهیم (۱۳۸۱). لالایی‌های ایران. تهران: پیوند نو.
- عنایت، حلیمه، حسینی، مریم، و عسکری، جواد (۱۳۹۰). لالایی‌ها رسانه‌ای زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان. زن در فرهنگ و هنر، ۳(۲)، ۵۷-۷۶.
- قزل‌ایاغ، ثریا (۱۳۸۳). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.
- قیاسی، سیدوهاب (۱۳۹۵). پژوهشی اجمالی در ادبیات عامیانه ایران. تهران: اطلاعات.
- کیانوش، محمود (۱۳۷۹). شعر کودک در ایران. چاپ سوم. تهران: آگاه.
- محمدی، محمدهادی، و قایینی، زهره (۱۳۸۱). تاریخ ادبیات کودکان ایران، ادبیات شفاهی و دوران باستان. تهران: چیستا.

۱۲۰ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، دوره ۱۴، شماره ۱، پیاپی ۴۳، بهار ۱۴۰۳

- نورتون، دونا (۱۳۸۵). شناخت ادبیات کودکان از روزه چشم کودک، گونه‌ها، کاربردها. ترجمه منصوره راعی و دیگران. تهران: قلمرو.

- وجدانی، بهروز (۱۳۸۷). لالایی، موسیقی نقش زن در انتقال فرهنگ شفاهی. کتاب ماه هنر، ۱۲۲، ۹۸-۱۰۴.

- هدایت، صادقی (۱۳۷۹). فرهنگ عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.